



تحلیل دکتر علیرضا شکیبایی  
عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر از طرح آمایش

# تلاشی برای احیای سرزمین

عکس این موضوع هم اتفاق افتد، پس نمی توان گفت که شما به تنهایی ارزش افزوده ایجاد می کنید بلکه آن فعالیت در کنار شما، به کار شما یک معنا و ترکیب دیگری داده است، به عبارت دیگر اگر ما فعالیت ها، انسان ها و فضاها را در یک مجموعه قرار دهیم و با در نظر گرفتن این سه رکن اساسی برنامه ریزی کنیم سرزمین ما احیا خواهد شد. وی عنوان کرد: اینکه «سرزمین ما احیا می شود» را آمایش می گوئیم. دکتر شکیبایی اظهار کرد: وقتی می گوئیم آمایش سرزمین یعنی اینکه سرزمین باید احیا شود و نه فعالیت به تنهایی، یعنی فعالیت شما نمی تواند بدون نادیده گرفتن انسان ها و سایر فضاها رونق داشته باشد، به همین خاطر در برنامه ریزی آمایش به دنبال بهره ور سازی فضاها هستیم، البته بهره ور سازی فعالیت ها جزئی از برنامه های هر رشته برنامه ریزی است اینکه شما باید در خانه خودتان خوب طراحی کنید و از امکاناتش استفاده کنید نمونه ای از بهره ور سازی است. وی تصریح کرد: در برنامه ریزی آمایش به دنبال این هستیم که سه رکن فعالیت، انسان و فضاها را باهم پیوند دهیم تا جامعه و سرزمین احیا شود. وی یادآور شد: در مورد تاریخچه علم آمایش هم باید گفت که کارشناسان و صاحب نظران حوزه اقتصاد در اواخر دهه هفتاد در بررسی های توسعه اقتصادی در کشورهای اروپایی متوجه شدند که می بایست سیاست های اقتصادی توسعه ای در بعضی مناطق اروپایی را مورد بررسی قرار داد که یک مقاله ای هم از سوی یک اقتصاد دان فرانسوی با عنوان پاریس و بیابان فرانسه منتشر شد.

وی گفت: پاریس و بیابان های فرانسه یعنی برنامه های توسعه اقتصادی که در پاریس متمرکز شده و این شهر را به عنوان یک شهر جهانی و مورد توجه دنیا قلمداد می کند در کنار خود یک بیابان به نام بیابان فرانسه را تشکیل داده است، به این معنی است که توسعه اقتصادی در فرانسه منجر به رشد پاریس شده اما بقیه شهر ها، روستاها و مناطق فرانسه از آن بهره نبرده اند و چون آنها بیابان شده اند پاریس هم تهدید می شود و به طور خلاصه این شهر نمی تواند به توسعه خود ادامه دهد. وی افزود: خیلی ساده می شود گفت که نمی توان جایی را با چند پروژه بزرگ احیا کنی و رونق دهیم در حالی که بقیه مناطق را به دست فراموش بسپاریم. این عضو هیات علمی دانشگاه کرمان ادامه داد: این موضوع برای اقتصاد دانان مطرح شد که می بایست مدل های برنامه ریزی عوض شوند و مدل هایی داشته باشیم که فقط رشد یک نقطه یا منطقه یا پروژه خاص را مدنظر قرار ندهند، متأسفانه کشور ما هم درگیر این موضوع است که چند پروژه را در یک نقطه خاص متمرکز می کنند بدون اینکه به عناصر دیگر توجه شود که این موضوع خود به افزایش عوارض و آسیب های اجتماعی دامن می زند.

وی اضافه کرد: به عنوان مثال در منطقه عسلویه در حوزه نفت و گاز سرمایه گذاری های بی نظیری صورت گرفته است، قطعاً بر اساس مزیت و نیاز بوده و انتخاب کاملاً آگاهانه و درستی است اما آنهایی که وظیفه برنامه ریزی برای این منطقه داشته اند این را درک نکردند که در کنار پروژه های بزرگ نفت و گاز انسان هایی هم زندگی و فعالیت می کنند که اگر دیده نشوند مشکلات فراوانی را به دنبال خواهد داشت و به جای این پروژه ها منجر به توسعه انسان ها شود منجر به تخریب آنان می شود، اگر به محیط زیست آن مناطق توجه نکنیم وجود این پروژه ها به جای اینکه رضایت خاطر مردم را جلب کند، مردم را فراری خواهد داد، بنابراین می بایست مسائلی که نیاز یک انسان از جمله غذایی، مسکن تا نیازهای هویتی اوست را در ک کنیم و برای آن برنامه داشته باشیم و یا از لحاظ

محمدرضا فرحبخش: بر اساس تعاریف، مفهوم آمایش سرزمین به ارزیابی نظام مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و موارد دیگر به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره برداران در انتخاب گزینه هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه اطلاق می شود. به بیانی دیگر توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیای کلیه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می گویند.

از مهمترین خصوصیات برنامه «آمایش سرزمین» جامع نگری، کیفیت و سازماندگی فضایی آنهاست. پایدارترین آرایشی که به سه مولفه مهم جمعیت، سرمایه، منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می شود برنامه آمایش سرزمین نامیده می شود.

بر این اساس، تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا به منظور بهره برداری منطقی از جمع امکانات در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع بر اساس ارزش های اعتقادی سوابق فرهنگی یا ابزار علم و تجربه در طول زمان است که جزئی از جغرافیا محسوب می شود.

با هدف بررسی طرح آمایش استان با دکتر علیرضا شکیبایی عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان گفت و گو کرده ایم. دکتر شکیبایی در این رابطه اظهار کرد: در گذشته نگاه برنامه ریزان ما برای توسعه اقتصادی و اجتماعی توسعه فعالیت ها بوده است یعنی فعالیتی در نظر گرفته می شد و برای آن برنامه ریزی می کردند و در نهایت آن را توسعه قلمداد می کردند، به طور مثال یک کارخانه، مدرسه و یک بیمارستان می تواند در حوزه اقتصادی، اجتماعی و یا موارد دیگر موثر باشد، آن پروژه را پیگیری و برای آن برنامه ریزی می کردند و توسعه می دادند.

وی خاطر نشان کرد: بیشتر دیدگاه های گذشته بر این موضوع استوار بود که یک فعالیت اقتصادی به عنوان مثال بر اساس مزیت ها یا نیازهای منطقه، اول بررسی، اولویت بندی و پیگیری می شد که نمونه آن کارخانه های فولاد، است که از جمله این فعالیت ها محسوب می شوند. وی افزود: اما برنامه ریزان و مسئولان به تدریج متوجه شده اند که در طول فرایند توسعه و فرایند برنامه ریزی این فعالیت ها هستند که در کنار هم معنا پیدا می کنند یعنی هر فعالیتی به تنهایی ممکن است نه تنها اثر بخش نباشد بلکه مشکلاتی را هم ایجاد کند به همین خاطر در برنامه ریزی ها توجه به برنامه ریزی های منطقه ای یا فضایی در ادبیات برنامه ریزی یا همان آمایش سرزمین مطرح شد.

عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر تأکید کرد: به این شکل که باید در برنامه ریزی ها سه رکن اساسی یعنی فعالیت، انسان و فضاها مورد توجه قرار بگیرد، در زمینه فعالیت و انسان که مساله روشن است، اما منظور از فضاها یعنی اینکه هر فعالیتی در یک نقطه در کنار موارد دیگر است که معنا پیدا می کند.

وی ادامه داد: به طور مثال اگر در کنار خانه شما، یک مرکز تجاری لوکس ایجاد شود بر روی قیمت منزل شما تاثیر خود را خواهد گذاشت و یا ممکن است بر

